

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»

بن – المان ، دسمبر ۱۹۹۴

شکار افعی

این شعر در دوران بیدادگری و خون ریزی تنظیم ها در کابل، سروده شده است :

تا مشرب ندانند ، دستار می زنم
هم ریش می گذارم و چلتار می زنم
نکتائی و دریشی بود رسم کافران
تن در غلاف کرته و ایزار می زنم
در سر پکول می نهم از بهر افتخار
با افتخار دست به کشتار می زنم
باشیوه دگر همه جا جلوه می کنم
در چشم دشمنان ز حسد خار می زنم
تا شهره شد به نام مجاهد مقام من
من خود قدم به شیوه اشرار می زنم
آخر کشید کار به دولتمداری ام
این لقمه را ز طالع بیدار می زنم
دارم تلاش تا همه رقص به ساز من
خوش نغمه ای به پرده مضمار می زنم
دیوانه نیستم که دهم از کف این مقام
هر کس مخالف است به تلوار می زنم
هر مال اگر بدست رسد چور می کنم
هر سر که زیب تن نبود دار می زنم
رسوائی ام به کوچه و بازار سرکشید
آتش دگر به کوچه و بازار می زنم
بنیاد اتفاق به تحریک دشمنان
برهم به نفع غیر به صد بار می زنم
از نام ارگ تا به دم مرگ نگذرم
در ارگ بوسه بر در و دیوار می زنم
تا گندم امید فگندم در آسیاب
چار آسیاب به طاس شش و چار می زنم
در آسیاب قهر و غضب شهروقریه را
می کوبم و چو گرد به دیوار می زنم
تا خوب تر به باد رود خاک مملکت
راکت به صبح و شام و شب تار می زنم
پرسند اگر که شهر ز قهرت خراب شد
خود را دگر به کوچه انکار می زنم
گویند تیره بختی مردم ز حد گذشت
خوش بخت من که راکت بسیار می زنم
این نیز حکمتیست که با خدعه و فریب
زخم زبان به هموطن و یار می زنم
بی سر فتاده قافله زندگانی ام
بانگی به یاد قافله سالار می زنم

با شعر تر ز تیرکش طعن و لعن «اسیر»

افعی شکار می کنم و مار می زنم